



ORIENTAL STUDIES TRIPOS Part I

Middle Eastern and Islamic Studies

Friday 30 May 2008 09.00 – 12.00

IS.6 PERSIAN LITERARY TEXTS

Candidates should attempt all questions.

*Write your number **not** your name on the cover sheet of each Section booklet.*

STATIONERY REQUIREMENTS

*20 Page Answer Book x 1
Rough Work Pad*

You may not start to read the questions printed on the subsequent pages of this question paper until instructed that you may do so by the Invigilator.

SECTION A

Translate the following four passages into ENGLISH. Each translation carries 20 marks.

1. Unseen passage:

مست شدن پات باعث بدیختی او شد ، چون صاحبش نمی-
کذاشت که پات از خانه بیرون برود و دنبال سگهای ماده بیفتد.
از قضا یکروز پائیز صاحبش با دو نفر دیگر که پات آنها را
میشناخت و اغلب بخانه شان آمده بودند ، در اتومبیل نشستند و
پات را صدا زدند و در اتومبیل پهلوی خودشان نشاندند . پات
چندین بار با صاحبش بوسیله اتومبیل مسافرت کرده بود ، ولی
درین روز او مست بود و شور و اضطراب مخصوصی داشت . بعد
از چند ساعت راه در همین میدان پیاده شدند . صاحبش با آن
دو نفر دیگر از همین کوچه کنار برج گذشتند ولی اتفاقاً بوی
سگ ماده‌ای ، آثار بوی مخصوص همجننسی که پات جستجو میکرد
او را یکمرتبه دیوانه کرد . بفاصله‌های مختلف بوکشید و بالاخره
از راه آب باغی وارد باغ شد -

نرديك غروب دو مرتبه صدای صاحبش که میگفت :
« پات .. پات ! .. » بگوشش رسید . آیا حقیقتاً صدای او بود و
یا انعکاس صدای او در گوشش پیچیده بود ؟

2. Unseen passage

و روز یکشنبه غرّه جادی الاولی امیر از ساری برفت تا بآمل رود و این راهها که آمدیم و دیگر که رفتیم سخت تنگ بود چنانکه دو سه سوار بیش ممکن نشد که بدان راه برقی واژچپ و راست همه بیشه بود هموار تا کوه، و آبهای روان چنانکه پیل راگذاره بودی. و درین راه پلی آمد چوین بزرگ و رودی سخت بواحجه و نادر چون کمانی خمامخ، و سخت رنج رسید لشکر را تا از آن پل بگذشت و آب رود سخت بزرگ نه اما زمینش چنان بود که هر ستوری که بروی برقی فروشده تا گردن و حصانت آن زمین این است، اینجا فرود آمدند که سر راه؛ شهر بود و گیاه خرد و بزرگ بود کساحت بسیار داشت چنانکه لشکری بزرگ فرو توانستی آمد. و از تزدیک ناصر علی و مقدمان آمل و رعایا سه رسول رسید و باز نمودند که پسر منوچهر و با کالیجار و شهر آگیم و دیگران چون خبر آمدن سلطان سوی آمل شنیدند بتعجیل سوی نائل و کجور و رویان رفتند برآن جله که بنائل که آنجا مضائق است با لشکر منصور دستی بزنند، اگر مقام توانند کرد عقبه کلار راگذاره کنند که مخف اند و بگیلان گریزند، و بنده ناصر و دیگر مقدمان و رعایا بندگان سلطانند و مقام کردند تا فرمان برچه جله باشد. جواب داد که خراج آمل بخشیده شد و رعایا را برجای باید بود که با ایشان شغل نیست و غرض بست آوردن گریختگان است. و رسولان برین جله باز گشتد.

3. Seen passage:

زیان بریله بکنجی نشسته صمّ بگم به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم
 تا یکی از دوستان که در کجاوه انیس من بود و در حجره جلیس برسم قدیم از در
 درآمد چندانکه نشاط ملاعت کرد و بساط مداعبت گسترد جوابش نگفتم و سر از
 زانوی تعبد بر نگرفتم رنجیده نگه کرد و گفت

کنونت که امکان گفتار هست بگو ای برادر بلطق و خوشی
 که فردا چو پیک اجل دررسید بحکم ضرورت زیان در کشی
 کسی از متعلقان منش بر حسب واقعه مطلع گردانید که فلاں عزم کرده است و نیت
 جزم که بقیت عمر مُعْتَکف نشیند و خاموشی گزیند تو نیز اگر توانی سر خویش گیر و
 راه مجانبیت پیش گفتا بعزت عظیم و صحبت قدیم که دم بر نیارم و قدم برندارم مگر
 آنگه که سخن گفته شود بعادت مألف و طریق معروف که آزردن دوستان جهله است
 و کفارت یمین سهل و خلاف راه صوابست و نقص رای اولوالالباب ذوالفقار علی در
 نیام و زیان سعدی در کام

زیان در دهان ای خردمند چیست کلید در گنج صاحب هنر
 چو در بسته باشد چه داند کسی که جوهر فروشست یا پیلور
 اگرچه پیش خردمند خامشی ادبست بوقت مصلحت آن به که در سخن کوشی
 دو چیز طیره عقلست دم فرو بستن بوقت گفتن و گفتن بوقت خاموشی

4. Seen passage:

ترس ورش داشت . لحظه‌ای ایستاد و بکف خیابان خیره
نگاه کرد . دو مرتبه شروع بدويiden کرد . باز هم بی‌انکه
صدای کند چند شماره ازش خریدند . اما اسم روزنامه را
بکلی فراموش کرده بود .

یحیی بدهن آنهاییکه ازش روزنامه میخریدند نگاه
میکرد تا شاید اسم روزنامه را از یکی از آنها بشنود ، اما
آنها همه با قیافه‌های گرفته و جدی و بی‌آنکه بصورت
او نگاه کنند روزنامه را میگرفتند و میرفتند .

بیچاره و دستپاچه شده بود . باطراف خودش نگاه
میکرد شایدیکی از بچه‌های همقطار خود را پیدا کند و اسما
روزنامه را ازش بپرسد ، اما کسی را ندید . چند بار شکل
دیزی جلوش و رجه و رجه کرد اما از آن چیزی نفهمید .

SECTION B

5. Answer the following questions on the passages above, referring to the words that are underlined [each question carries 5 marks]

(a) Passage 1: analyze and translate the following verbal forms:

I. 2	برود
I. 2	بیفتد
I. 4	میشناخت
I. 6	مسافرت کرده بود
I. 15	پیچیده بود

(b) Passage 2: explain the underlined words and phrases.

I.1	رود
II. 2 and 6	برفی
II. 3 and 5	را
I. 8	توانستی
II. 11-12	اگر....کنند

(c) Passage 3: analyze and comment on 5 rhetorical figures occurring in the passage.

(d) Passage 4: examine the passage with a view to noting the way (a) different verb tenses are used and (b) the particle را is used, to address minor differences in sense.

END OF PAPER